



غفلت از سوغات زیارتی وطنی و معنویتی که رنگ می‌بازد

تسبیح پلاستیکی چین کمونیست در سجاده ترکیه سکولار!

■ **مهدی ارجمند**

خدا بیامرز بابایزرگ یک انگشتر عقیق سرخ یمنی داشت که هیچ وقت حاضر نبود آن را با چیزی عوض کند. هیچ وقت هم آن را از خودش دور نمی‌کرد و همیشه از آن به نحو شایسته‌ای محافظت می‌کرد. وقتی هم که از او درباره علاقه‌اش به این انگشتر و اهمیت آن می‌پرسیدیم می‌گفت: «سوغات مشهد است. این انگشتر را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.» بابایزرگ این قدر آن انگشتر را دوست داشت که حتی حاضر نبود آن را یک ساعت به کسی امانت بدهد. همیشه می‌گفت: «این انگشتر متبرک است. سوغات مشهد و یادگار امام هشتم(ع) است. هیچ وقت از من نخواهید آن را به کسی بدهم. هر وقت دستم از دنیا کوتاه شد می‌رسد به یکی از شماها، اما الان نه.»

■ **سوغاتی چینی در بازارهای ایران**

این روزها ما اوضاع سوغاتی دادن و سوغاتی آوردن با چند دهه پیش به کلی تغییر کرده است، به لطف تولیدکنندگان چشم‌بازمانی کشور دوست و همسایه چین، این روزها حتی در شهرهایی مانند مشهد که باید شاهد سوغاتی‌هایی مثل انگشتر، تسبیح، سجاده و... باشیم که محصول سرانگشتان هنرمندان این مرز و بوم است متأسفانه سجاده‌هایی تولید می‌شود و به فروش می‌رسد که ساخت ز ترکیه سکولار است یا تسبیح‌هایی که از چین کمونیستی وارد می‌شود و برخی دیگر کالاها که از کشورهایمانند هندوستان به مشهد می‌آید یا از طریق مرز پاکستان به صورت قاچاق وارد می‌شود. این همه در حالی است که مردم از رشک، زعفران، نبات و... که سوغات اصلی شهرهای مذهبی مانند مشهد است نیز این روزها حال و روز خوشی ندارد و در بازارهای مشهد با زعفران و زرشک تقلبی و نبات‌های نامرغوب روبه‌رو هستیم. روی سخن در این جا با چهره گروه از مردم است که تولید افرادی که بدون در نظر گرفتن منافع ملی و اقتصادی کشور این محصولات بی کیفیت را وارد می‌کنند، دوم مسئولاتی که عدم جدی بودن یا مقابله با ورود این کالای بی کیفیت چینی را ندارند، سوم بازاری‌ها و صاحبان فروشگاه‌هایی که این کالاهای بی کیفیت را می‌فروشند و چهارم که از همه مهم‌تر است مردمی که این کالاهارا خریداری می‌کنند و آنها را به عنوان سوغات از شهرهای زیارتی با خودشان می‌آورند. در حقیقت مردم در سفر به شهرهای مختلف، با توجه به وجود صنایع دستی زیبا و هنرهای اصیل که محصول سرچینه‌های هنرمندانه هنرمندان این سرزمین است می‌توانند با خرید صنایع دستی و هنرهای سنتی هم به تولید و اشتغال کشور کمک کرده و هم از این فرصت، کالاهای که تولید داخل است و نشان‌دهنده فرهنگ اصیل مردمان است به عنوان سوغات استفاده کنند. ایران کشوری است که مهد هنر است و در هر استانی تا دلالت بخواد انواع هنرهای سنتی و صنایع دستی زیبا به چشم می‌خورد. هنرهای سنتی که در زیبایی نمونه ندارند و مقایسه آنها با کالاهای بی کیفیت چینی، در واقع قیاس مع‌الفارق است. به هر استانی که سفر می‌خورد و نیازی نیست برای خرید سوغاتی، کالاهای بی کیفیت چینی را انتخاب کنیم. کالاهای که شاید فقط ارزش است و هیچ ویژگی خاص دیگری ندارد. حال اینکه صنایع دستی و هنرهای سنتی ایرانی و دیگر کالاهای که در هر شهر به عنوان سوغاتی تولید می‌شود یا وجود دارد دارای ارزش‌های فرهنگی است. در این میان حتی در استان‌هایی که سوغاتی‌های آنجا مواد غذایی آن استان است مانند استان‌های جنوبی که ماهی سوغات آنهاست یا خراسان که نبات و زعفران سوغات آن است یا استان‌هایی که شیرینی، حلوا، آجیل، روغن حیوانی و... سوغات آن استان است جای تأسف است که محصولات چینی جای این سوغاتی‌ها را گرفته است. در واقع این مردم و مسافران هستند که باید بیش از هر گروه دیگری به این موضوع توجه داشته باشند و در انتخاب و خرید سوغاتی تنها به قیمت یک کالا توجه نکنند بلکه، زیبایی و اصالت کالا را نیز مورد توجه قرار دهند. کالاهای که ریشه در فرهنگ اصیل ایرانی –اسلامی ما دارد. ضمن اینکه با خرید این محصولات می‌توان به اشتغالزایی در کشور نیز کمک کرد.

■ **عروسک آوازه‌خوان، سوغاتی مشهد**

همین چند و پنج وقت بود که یکی از بستگان ما بعد از سفر

آن خدا بیامرز از سال دنیا این انگشتر را از همه بیشتر دوست داشت و البته کفنی که آن هم سوغاتی بود که از مکه برای خودش آورده بود. توی کمندش زیر بقیچه لباس‌ها مخفی کرده بود. بعضی وقت‌ها آن را برمی‌داشت. چند دقیقه‌ای به آن نگاه می‌کرد، به فکر فرومی‌رفت و دوباره آن را سر جایش می‌گذاشت. در همان سنین کودکی از سر کنجکاو و رفتار بابایزرگ را زیر نظر داشتم. وقتی سوغاتی مکه را از کنجدش بردم آورد با کنجکاو، نوشته روی آن را می‌خواندم که با خطی آبی رنگ روی آن نوشته بود «خلعت آخرت» و با خطوطی قرمز رنگ نیز روی آن ادعیه و آیات قرآن نوشته شده بود. بابایزرگ وقتی فوت کرد، سوغات مکه‌اش را با خودش برد، اما انگشتر عقیق او که سوغات مشهد بود ماند برای یکی از بازماندگان و الان هم دست یکی از عموهاست که عین چشم‌هایش از آن نگهداری

به مشهد و بازگشت به تهران برای یکی از بستگان، عروسک آوازه‌خوان به عنوان سوغات آورده بود و توجه‌اش هم این بود که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند و این سوغاتی خوبی است. مثل اینکه سوغات مشهد، انگشتر، مهر، تسبیح، سجاده، زرشک، زعفران، نبات و... است. یکی از همکاران نیز تعریف می‌کرد یکی از بستگان آنها که به اصفهان سفر کرده برای شان یک پیراهن سوغات آورده که پارچاش شبک‌کاری استان‌های اصفهان، قم، چهارمحال و بختیاری، چینی است. در حالی که اصفهان مهد صنایع دستی است و می‌توان از صنایع دستی زیبای این شهر به عنوان سوغات استفاده کرد. به گفته کارشناسان، سوغات هر شهر، نمادی از آن شهر است و باورها و آیین‌های تاریخی مناطق مختلف ایران را یادآوری می‌کند. در حال حاضر هر یک از استان‌ها و شهرهای کشورمان به داشتن صنایع دستی خاصی معروف هستند و از این‌رو سوغات آنها هم از همین صنایع است، که از جمله می‌توان به صنایع چوبی نظیر منبت‌کاری، کنده‌کاری و شبک‌کاری استان‌های اصفهان، قم، چهارمحال و بختیاری، کردستان، اردبیل و لرستان اشاره کرد. با این حال گاه شاهد وجود کالاهای در شهرهای مختلف به عنوان سوغات آن شهر هستیم که هیچ‌سختی با سبک زندگی ایرانی –اسلامی ما ندارد و متناسب با فرهنگ ما نیست. به عنوان مثال در شهری مانند مشهد «سجاده‌های ترکیه‌ای» و «جانمازهای چینی»، تسبیح‌هایی از جنس پلاستیک و چینی، عطرها و فراسوی، نقره‌جات ت که ادو، به‌های هندی و اسباب‌بازی‌های مروج فرهنگ غربی چه سختی با فرهنگ ایرانی – اسلامی ما



این روزها سجاده‌هایی به فروش می‌رسد که ساخت ترکیه سکولار است یا تسبیح‌هایی که از چین کمونیستی وارد می‌شود و برخی دیگر کالاها که از کشورهای بی‌آب



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



باید با فرهنگسازی صحیح مردم را ترغیب به خرید صنایع دستی و سوغات زیارتی اصیل و تولید داخل کرد چرا که گرایش به خرید سوغات بیگانه به مرور موجب بی‌هویتی و رنگ باختن فلسفه معنوی و مذهبی سوغات زیارت می‌شود و تأثیر منفی خود را بر سبک خرید زائران می‌گذارد

دخترانی که از انگشتانشان هنرنمی‌بارد!

می‌کند و هر وقت درباره این انگشتر صحبت می‌شود با بغضی در گلو می‌گوید: «یادگار خدا بیامرز آقا جان است. سوغات مشهد.» من خیلی وقت‌ها در متن همین رابطه پدر و پسر و پنجره‌ای شده خدا هم نگر بیسته‌ام. در واقع این رابطه پدر و پسر پنجره‌ای شده که به واسطه آن بتوانم رابطه با خالق و مخلوق را هم بهتر ببینم. آنها که مخالف بچه دار شدن هستند یا نه آن را زحمتی بیش نمی‌یابند که جز رنج چیزی ندارد این را هم در نظر بگیرند که وقتی شما بچه‌دار می‌شوید اتفاقاتی برای شما می‌افتد که اگر بچه‌دار نمی‌شدید به هرگز نمی‌توانستید آن رخدادها را در زندگی تجربه کنید و یکی از این رخدادها مشابَهت‌هایی است که در رابطه میان پدر و فرزند یا مادر و فرزند ی رابطه خالق و مخلوق وجود دارد و شما در بر تو آن مشابَهت‌ها می‌توانید خطاهای ذهنی تان را با شفافیت بیشتری ببینید.

■ **معنویت سوغات رضوی رنگ‌نواز**

در این باره وقتی با احمد دیناری رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مشهد صحبت می‌کنم او نیز از ورود این کالاها در منهدانتقامی‌کنندمی‌گوید: متأسفانه افراد سوءاستفاده می‌کنند و کسانی که به فکر منافع اقتصادی خود هستند و می‌خواهند یک‌شبه بار خودشان را ببینند کالاهای بی کیفیت را وارد کشور می‌کنند و این کالاها به عنوان سوغات مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که هیچ سختی با فرهنگ ایرانی – اسلامی ما ندارد و باعث تعطیلی کارگاههای مختلف نیز می‌شود.»

او با بیان اینکه در خراسان رضوی بیش از ۸۰ رشته فعال صنایع دستی وجود دارد می‌افزاید: «توجه مردم به هنرهای دستی و صنایع دستی می‌تواند به تقویت تولید کالاهای با کیفیت ایرانی و اشتغالزایی کمک کند. کالاهای که می‌تواند به عنوان سوغات در این استان مورد توجه قرار گیرد.» او با ابراز تأسف از روند رو به رشد ورود اجناس خارجی به مشهد، تأکید می‌کند: ضرورتی وجود ندارد که از کشوری غیراسلامی به شهری که پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷ میلادی شده‌است، کالاهای فرهنگی – مذهبی مثل سجاده و تسبیح وارد شود. رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مشهد مقدس تصریح می‌کند: «خوشحالی بسیاری از هنرها و صنایع دستی مشهد مانند «ظروف هر گاه» که فقط مخصوص مشهد است؛ هنوز جایگاه خود را در میان زائران دارند.» وی با بیان اینکه گردشگری که مشهد را به عنوان قطب زیارتی کشور حدود ۲۰۰ میلیارد تومان در سال است و توجه به این موضوع می‌تواند اقتصاد این شهر را دگرگون کند.» او با بیان اینکه نبود بازار صنایع دستی یکی از ضعف‌های اقتصادی شهر مشهد است، می‌افزاید: «فروش صنایع دستی از سوغات مهم این سرزمین به شکلی پراکنده است که در طرح توسعه کمی و کیفی زیارت» استنادی از خراسان رضوی، به موضوع ایجاد این بازارها نیز تأکید شده است.» وی یادآور می‌شود: «غلب مسافران مشهدالزراع) از اقبال متوسط و کم درآمد کشورند و از این‌رو سوغات گران قیمت، مناسب آنان نیست؛ مسافران و گردشگران این شهر حتی در سفر ۲۴ ساعته هم به نیت «تبرک» از مشهد خرید می‌کنند و در حالی که سالانه میزبان بیش از ۲۵ میلیون زائر و گردشگر در این شهر هستیم، ایجاد یک برند سوغات و ایجاد بازار مجتمع‌های ویژه سوغات، اشتغالزا خواهد بود.» دیناری، عرضه سوغات فرهنگی به زائران، ایجاد بازارهای بزرگ سوغات و برگزاری جشنواره ملی فرهنگی سوغات را در هویت‌بخشی به سوغات کلاشهر مذهبی جهان، مؤثر می‌داند و با اشاره به مزیت وجود بارگاه رضوی، تأکید می‌کند: «مشهد شهری خاص و نمونه در میان شهرهای زیارتی و سیاحتی کشور است که سالانه یک سوم گردشگران خارجی ایران را به خود جذب می‌کند و وجود چنین مزیت‌هایی توجه اقتصادی برای برگزاری جشنواره سوغات یا ایجاد مجتمع‌های تجاری ویژه سوغات در مشهد را دارد.» در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که باید با فرهنگسازی صحیح مردم را ترغیب به خرید صنایع دستی و سوغات زیارتی اصیل و تولید داخل کرد چرا که گرایش به خرید سوغات بیگانه به مرور موجب بی‌هویتی و رنگ باختن فلسفه معنوی و مذهبی سوغات زیارت می‌شود و تأثیر منفی خود را بر سبک خرید زائران می‌گذارد.



ضرورت احیای دوباره هنرهای خانگی

دخترانی که از انگشتانشان هنرنمی‌بارد!

■ **سیمین جم**
مقام معظم رهبری در یکی از سفرهایشان به استان قم درباره اهمیت صنایع دستی فرموده بودند: «همه‌جا شنیده بودیم زبان قم و مران قم افتخار می‌کردند به این فرش‌هایی که در اینجا بافته می‌شد و معروف بود، می‌گفتند «فرش نخ فرنگ»؛ نمی‌دانم حالا هم به همان صورت معروف است و گفته می‌شود یا نه. به مسئله فرششان، به مسئله صنایع دستی دیگرشان اهتمام ورزیده شده؛ این می‌تواند مردم را از درون زندگی خودشان بهره‌مند و مرفه کند. (پنجم آبان ۱۳۸۹)

این فرمایش صریح و ساده و روشن رهبر معظم انقلاب مرا به یاد روزهایی می‌اندازد که تقریباً اکثر زنان و دختران در خانواده سنتی ایران یک یا چند هنر دستی و سنتی بلد بودند و در روستاها هم اگر دختری فرش بافتن نمی‌آموخت انگار چیزی کم داشت، روزگاری که هنرهای دستی دختران معیار مهمی برای پیدا شدن خواستگار خوب برای آنان بود. دختری که هنرهای خانگی و بافتنی و قالیبافی و آشپزی و ددها هنر دیگر را بلد نبود دختری بی‌هنر محسوب می‌شد چراکه یادگیری این هنرها لازمه تشکیل یک زندگی خوب بود. یک زندگی که زن با به پای مرد در اقتصاد خانواده نقش ایفا می‌کرد و نه تنها خانه را از خرید انواع وسایل رنگارنگ و گران قیمت امروزی بی‌نیاز می‌ساخت، بلکه فروش محصولات هنرهای دستی و خانگی زنان کمک خرجی برای خانواده محسوب می‌شد. آن روزها وقتی می‌گفتند دختر قلاتی از هر انگشتش یک هنر می‌بارد یک غلو اما حالا چه اتفاقی افتاده که دختران و زنان



فرمایش صریح و ساده و روشن رهبر معظم انقلاب سراً آیه یاد روز‌هایی می‌اندازد که تقریباً اکثر زنان و دختران در خانواده سنتی ایران یک یا چند هنر دستی و سنتی بلد بودند و در روستاها هم اگر دختری قش‌ر می‌رسد دنبال نمی‌آموخت انگار چیزی کم داشت

ما در بازارها و بازارچه‌ها پول‌های زبان بسته را خرج انواع جواهرات زینتی و صنایع دستی چینی و هندی و پاکستانی و البسه ترکیه‌ای می‌کنند و خودشان از دوختن یک دستمال هم ناتوان هستند. به نظر می‌رسد دنبال پیشین و به ویژه مادرها و مادرزبدها در این زمینه خیلی مقصر هستند. در واقع انتقال دانسته‌ها از نسل پیشین به نسل جدید در این زمینه بسیار اهمیت دارد. ما این حال خوشبختانه هنوز در روستاها و شهرهای کوچک موضوع هنرهای خانگی زنان در قالب حمایت از کارگاه‌های کوچک خانگی و توسعه خوداشتغالی دنبال می‌شود و هنوز هستند زانگی که با هنر دست خود نه تنها چرخ زندگی را می‌چرخانند بلکه به شوقیابی اقتصاد جامعه نیز کمک می‌کنند. این در حالی است که ارزش کار زنان روستایی و شهری چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در حال توسعه همواره از بعد تاریخی مورد غفلت قرار گرفته است و در این راستا فعالیت‌هایی که از سوی زنان در بازارهای محلی و همچنین در خانه‌داری و خدمات خانوار انجام می‌گیرد و در اندازه‌گیری



خوشبختانه هنوز در روستاها و شهرهای کوچک موضوع هنرهای خانگی زنان در قالب حمایت از کارگاه‌های کوچک خانگی و توسعه خوداشتغالی دنبال می‌شود و هنوز هستند زانگی که با هنر دست خود سرخ زندگی را می‌چرخانند